

حادثه

کشف چرخه پیچیده سرقت تا فروش کامپیوتر خودروها

● **شرق:** کامپیوترهای مسروقه خودروها بعد از طی چرخه‌ای پیچیده، به عنوان کامپیوترهای نو به شهروندان فروخته می‌شد. پنت پرده این ماجرا سارقی حرفه‌ای قرار داشت که به دام پلیس افتاد. به گزارش خبرنگار ما، در پی کسب اطلاعاتی مبنی بر خریدوفروش کامپیوترهای خودرو دست دوم تحت عنوان کامپیوترهای نو در مغازه‌ای در خیابان سجاد شمالی، موضوع ضمن انجام هماهنگی‌های لازم قضائی با شعبه سوم دادباری دادسرای ناحیه ۲۴ تهران، برای بررسی در دستور کار کارآگاهان اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. کارآگاهان در بررسی نامحسوس از محل فروش کامپیوترهای خودرو، مطلع شدند شخصی به نام «مرتضی، م» اقدام به فروش کامپیوترهای دست دوم خودرو در بسته‌بندی‌های متعلق به یکی از شرکت‌های تولیدکننده داخلی خودرو در کشور می‌کند. به‌همین‌دلیل «مرتضی» را دستگیر کردند و در بازرسی از محل فعالیت وی، موفق به کشف و توقیف تعدادی کامپیوتر خودرو دست دوم شدند که مرتضی قصد فروش آنها را با عنوان کامپیوتر خودرو نو داشت. «مرتضی» پس از اطلاع از مسروقه‌بودن کامپیوترهای خودرو در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «از طریق بروشورهای تبلیغاتی با شخصی به نام اصغر آشنا شدم که اقدام به فروش کامپیوتر خودرو با عنوان کامپیوتر نو به من می‌کرد و من به‌هیچ‌عنوان از مسروقه‌بودن آنها اطلاع نداشتم». مرتضی در اظهارات تکمیلی به کارآگاهان گفت: «توسط بروشور تبلیغاتی درخصوص فروش قطعات سیم‌کشی که در مغازه‌ها پخش شده بود با «اصغر، گ» آشنا شدم. ابتدا در تماسی تلفنی درخواست قطعات سیم‌کشی کردم که قطعات ارسال شد. در داخل جعبه علاوه بر قطعات، «بروشور کامپیوتر خودرو» نیز قرار داشت. به‌همین‌دلیل مجدداً با «اصغر» تماس گرفتم و این‌بار از او درخواست



کامپیوتر خودرو کردم و او نیز هر کامپیوتر خودرو را به مبلغ ۸۰۰ هزار تومان به من فروخت. من به تصور اینکه کامپیوترها بنا بر ادعای او کاملاً نو هستند، هر دستگاه را به مبلغ یک میلیون تومان به مشتریان می‌فروختم». کارآگاهان با شناسایی محل تردد «اصغر» در محدوده خیابان امیرکبیر، در تحقیقات پلیسی اطلاع پیدا کردند او فاقد هرگونه محل مشخص برای فروش قطعات خودرو است و صرفاً به صورت خیابانی و دست‌فروشی اقدام به فروش قطعات خودرو می‌کند. در ادامه اقدامات پلیسی، سرانجام اصغر دستگیر و در بازرسی از وی تعدادی کامپیوتر خودرو کشف شد. این مرد در همان اظهارات اولیه به مسروقه‌بودن اموال کشف‌شده و فروش آنها با عنوان کامپیوترهای نو اعتراف کرد. «اصغر» در اظهاراتش به کارآگاهان عنوان کرد قطعات سسته‌شده از طرف هم‌دستش به پلیسی، سرانجام اصغر دستگیر و در بازرسی از وی تعدادی کامپیوتر خودرو کشف شد. این مرد در همان اظهارات اولیه به مسروقه‌بودن اموال کشف‌شده و فروش آنها به عنوان کامپیوترهای نو اعتراف کرد. «اصغر» در اظهاراتش به کارآگاهان عنوان کرد قطعات سسته‌شده از طرف هم‌دستش به پلیسی، سرانجام اصغر دستگیر و او نیز در چند ماه گذشته اقدام به فروش آنها به فروشندگان قطعات خودرو کرده است. با شناسایی محل فعالیت «رضا» در محدوده خیابان امیرکبیر، او نیز دستگیر و در بازرسی از محل فعالیتش، تعدادی کامپیوتر خودرو مسروقه آماده رای بسته‌بندی کشف و توقیف شد. «رضا» پس از انتقال به اداره بیستم آگاهی، فردی به نام «سجاد، ص» (۲۵ ساله) را به عنوان سارق کامپیوترهای خودرو معرفی و اعتراف کرد کامپیوترهای مسروقه را به قیمت هر دستگاه ۷۰ الی ۱۲۰ هزار تومان از سجاد خریداری کرده است. با معرفی «سجاد، ص» (۲۵ ساله)، بلافاصله وی به عنوان یکی از سارقان سابقه‌دار و حرفه‌ای شناسایی شد که پیش از این نیز به همین اتهام (سرقت قطعات خودرو) دستگیر و روانه زندان شده بود. با توجه به بلامکان بودن «سجاد»، اقدامات ویژه پلیسی برای دستگیری وی در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت و سرانجام وی در خیابان طبیب شناسایی و بازداشت شد. متهم در زمان دستگیری در وضعیت روانی عادی قرار نداشت و با سلاح سرد قصد مجروح‌کردن کارآگاهان و نهایتاً فرار از محل را داشت؛ اما عاقبت به دام افتاد. سرهنگ صدر جان‌پور، معاون مبارزه با سرقت وسایط نقلیه پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «در ادامه رسیدگی به پرونده و به دلیل سوابق متعدد متهم در جرائم مختلف سرقت، دستور انتشار بدون پوشش تصویر سجاد از سوی مقام قضائی صادر شده است و از شکاتی که موفق به شناسایی تصویر متهم شدند، دعوت می‌شود برای پیگیری سوابق کجای تهران خود به اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند؛ همچنین از افرادی که از سایر اقدامات مجرمانه متهم اطلاعاتی در اختیار دارند درخواست می‌شود اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۲۰۵۵۵۲۰۵۱ در اختیار کارآگاهان اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند».

شرق: جوانی که در نزاعی پیش‌پاافتاده مرتکب قتل شده بود، بعد از فرار به شهرهای مختلف سرانجام به دام افتاد و به جرمش اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار ما، وقوع نزاع منجر به جرح ساعت ۲۳:۳۰ روز اول اسفند سال گذشته از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی به کلانتری غیائی اعلام و با حضور مأموران در محل و انجام تحقیقات اولیه، مشخص شد جوانی ۱۹ساله به‌نام محمدصادق بر اثر اصابت جسم سخت از ناحیه سر، دچار جراحات شدید و به بیمارستان منتقل شده است.

دو نفر از دوستان محمدصادق که شاهد صحنه درگیری او با جوان دیگری بودند، در اظهارات خود به مأموران گفتند: «در خیابان امیرسلیمانی به‌صورت پیاده در حال تردد بودیم که ناگهان یک موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ با دو سرنشین جوان به ما نزدیک شدند. راننده موتور جوانی حدوداً ۱۶، ۱۷ ساله و ترک‌نشین آن پسری حدوداً ۱۹ساله بود. ترک‌نشین موتور که با محمدصادق چشم تو چشم شده بود و درعین‌حال در حالت طبیعی قرار نداشت، پس از مشاجره لفظی با محمدصادق، ما را تهدید کرد تا دقایقی دیگر مجدداً به محل بازمی‌گردد و اگر این بار نیز ما را در محله‌اش ببیند، با ما درگیر خواهد شد؛ سپس هر دو نفر از محل رفتند».

این دو نفر در خصوص نحوه وقوع درگیری و مجروح‌شدن محمدصادق به مأموران توضیح دادند: «ما خیابان امیرسلیمانی را ترک کرده و به خیابان عجب‌گل رفته بودیم که ناگهان همان دو جوان موتورسوار به طرف ما آمدند. ترک‌نشین موتور که مرتبه اول ما را تهدید کرده بود، این‌بار از موتور پیاده شد و چاقویی حدوداً ۲۰ سانتی از زیر لباسش خارج کرد و با محمدصادق درگیر شد. در یک لحظه وی ضربه‌ای محکم به سر محمدصادق وارد کرد که بر اثر شدت ضربه، محمدصادق روی زمین افتاد. آن دو جوان موتورسوار با مشاهده صحنه، به‌سرعت از محل متواری شدند و ما نیز بلافاصله با ۱۱۰ و اورژانس تماس گرفتیم».

با انتقال محمدصادق به بیمارستان، وی به علت شدت جراحات وارده‌شده به ناحیه سر، به کما رفت و با وجود انجام اقدامات درمانی به علت ضربه مغزی ناشی از اصابت جسم سخت، روز چهارم اسفند فوت کرد.

هم‌زمان با اعلام خبر فوت محمدصادق به کلانتری، نوجوانی حدوداً ۱۶ساله به بیمارستان مراجعه کرد و درخصوص وضعیت سلامتی متوفی سؤالاتی را از پرسنل بیمارستان پرسید. کارکنان بیمارستان با مشاهده اضطراب در چهره وی موضوع را به مأموران اطلاع دادند.

حوادث

جنایت بر سر هیچ

متهم ۱۹ساله فقط به خاطر یک نگاه مرتکب قتل شد



نوجوان ۱۶ساله با مشاهده مأموران قصد فرار از بیمارستان را داشت اما دستگیر و به کلانتری غیائی منتقل شد.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد، پرونده و متهم ۱۶ساله به‌نام «حامد.ط» به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۲۹ تهران، در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی قرار گرفت. حامد که در مراحل اولیه مدعی شده بود هیچ‌گونه اطلاعات دقیقی درخصوص مشخصات ترک‌نشین موتور و درواقع همان عامل جنایت ندارد، پس از انتقال به پلیس آگاهی اعتراف کرد درگیری توسط یکی از بچه‌محل‌هایش به‌نام «منصور.م» (۱۹ساله) انجام شده است. حامد در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «در حال چرخیدن با موتور

دو جوان ۱۶ساله با مشاهده مأموران قصد فرار از بیمارستان را داشت اما دستگیر و به کلانتری غیائی منتقل شد.

پسر ۴ساله؛ قربانی کودک آزاری

متهم: کودک را در ماشین لباس شویی زندانی کردم و او خفه شد

وی اظهار کرد: (س.ر) مادر کودک چهارساله برای امرار معاش زندگی خود در منزلی مشغول به کار می‌شود و بعد از مدتی نیز با مردی به نام (الف.ش) در همان منزل ارتباط برقرار می‌کند و در نهایت قتل اتفاق می‌افتد. قاضی در ادامه جلسه با تفهیم‌کردن اتهام کودک‌آزاری و قتل عمد از متهم ۲۵ساله (الف.ش) به جایگاه دعوت کرد تا درباره چگونگی قتل توضیح دهد که متهم به قاضی گفت: من کودک را به‌تنهایی کتک نمی‌زدم بلکه ۹۰ درصد صدمات روی بدن کودک توسط پدر وی وارد شده است. روز قبل از حادثه مواد مصرف کرده بودم و از نظر روحی و روانی وضعیت خوبی نداشتم و کودک نیز همان موقع مشغول بازی بود که من نیز عصبانی شدم و طفل را با کمک مادرش با طناب بستیم. من دانشجو و فوق‌لیسانس مکانیک هستم و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که من را به جرم قتل عمد دستگیر کردند، من مقصر نیستم، من قصد کشتن کودک را نداشتم، مادر کودک نیز مقصر است اما نمی‌دانم چرا جرم خود را قبول نمی‌کند، من به دلیل اینکه خانم متهم نشود، در بازجویی‌های اولیه مسئولیت قتل را قبول کردم چراکه با خودم گفتم اگر (س.ر) قتل را قبول کند و به زندان برود، همسرش رضایت نخواهد داد و باید در زندان بماند.

(الف.ش) در ادامه تصریح کرد: (س.ر) من را متهم ردیف اول پرونده کرد و خود نیز بعد از اینکه به علت کودک‌آزاری پنج ماه در زندان بود، با سند ۵۰میلیون تومانی آزاد و توسط دادگاه از قتل تبرئه شد. وی افزود: کودک با طناب خفه نشده بلکه بر اثر کمبود اکسیژن فوت کرده و نمی‌دانم چرا پزشکی قانونی گفته‌کودک بر اثر خفگی فوت کرده است. (الف.ش) ادامه داد: در بازجویی‌های اولیه گفتم با دست کودک را خفه کرده‌ام و (س.ر) بی‌گناه است اما حقیقت این است که کودک را در ماشین لباس‌شویی گذاشتم و در جاپودری را هم باز کردم تا اکسیژن به کودک برسد اما غافل از اینکه اکسیژن به کودک نمی‌رسد، در همان لحظه از املاکی با من تماس گرفتند و گفتند منزل موردنظر شما را پیدا

در خیابان بودم که ناگهان منصور مرا صدا زد و گفت در جشن تولد یکی از دوستانش مقدار زیادی مشروبات الکلی استفاده کرده و به همین علت در حالت طبیعی قرار ندارد. به این بهانه درخواست کرد با موتور، قدری او را بچرخانم تا سرش باد بخورد و آرام شود. در حال پرسه‌زدن و چرخیدن در خیابان امیرسلیمانی بودیم که منصور با متوفی چشم تو چشم شد و از من خواست توقف کنم. درحالی‌که پشت موتور نشسته بود، آن سه جوان را تهدید کرد که اگر بار دیگر آنها را در محل ببیند، این بار با آنها درگیر خواهد شد. پس از آن از محل دور شدیم. پس از دقایقی چرخیدن در خیابان، بار دیگر با همان سه جوان در خیابان عجب‌گل برخورد کردیم که این‌بار منصور از موتور پیاده شد و بی‌هیچ مقدمه‌ای با کشتیدن قمه از زیر لباسش به سمت یکی از آن سه نفر رفت و با چاقو ضربه‌ای به سرش وارد کرد که آن جوان روی زمین افتاد. منصور به‌سرعت سوار موتور شد و من نیز سریع محل را ترک کردم. پس از آن دیگر منصور را ندیدم.

کارآگاهان با شناسایی محل سکونت منصور و انجام تحقیقات پلیسی، اطلاع پیدا کردند او پس از متارکه پدر و مادرش، همراه مادر‌بزرگش زندگی می‌کند و در زمینه خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی فعالیت دارد. آنها همچنین فهمیدند منصور پس از وقوع درگیری از تهران متواری شده است. تحقیقات برای دستگیری متهم در دستور کار کارآگاهان قرار داشت که کارآگاهان اطلاع پیدا کردند منصور پس از متواری‌شدن از تهران، ابتدا به شمال و از آنجا به شرق کشور رفته است. تحقیقات برای شناسایی آخرین مخفیگاه منصور همچنان در دستور کار قرار داشت تا اینکه مأموران باخبر شدند متهم مدت کوتاهی به تهران آمده و بلافاصله از پایتخت به جنوب کشور و شهر دزفول متواری شده است.

کارآگاهان سرانجام با شناسایی آخرین مخفیگاه متهم در یکی از باغ‌های حاشیه شهر دزفول، با اخذ نیابت قضائی به این شهر اعزام و سرانجام در ساعت یک بامداد روز سه‌شنبه هفته پیش، موفق به دستگیری «منصور» شدند.

منصور پس از انتقال به پلیس آگاهی تهران صراحتاً به ارتکاب جنایت اعتراف و اظهارات دوستان متوفی و همچنین حامد را تأیید کرد. سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: با اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت از سوی مقام قضائی صادر شده و متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.»

دو جوان ۱۶ساله با مشاهده مأموران قصد فرار از بیمارستان را داشت اما دستگیر و به کلانتری غیائی منتقل شد.

دو جوان ۱۶ساله با مشاهده مأموران قصد فرار از بیمارستان را داشت اما دستگیر و به کلانتری غیائی منتقل شد.

کردیم، بیایید منزل را ببینید و من نیز همراه با مادر کودک رفتم تا اینکه یک ساعت بعد یادم آمد کودک در ماشین لباس‌شویی است و بلافاصله به منزل برگشتم و وقتی کودک را از ماشین لباس‌شویی بیرون آوردم، دیدم طفل از عرق زیاد خیس شده و قاضی برای او نماده بود. وی گفت: قلب کودک می‌زد اما نفس نداشتم و من نیز چند بار به کودک تنفس اادم اما نتوانستم نفسش را برگردانم و مادر کودک که بیرون منزل ایستاده بود را صدا زدم و وقتی مادر کودک این شرایط را دید، گفت کودک را ببریم بیمارستان و من نیز با مادرش همراهی کردم اما بعد از ۴۵ دقیقه پزشکان گفتند کودک یک ساعت پیش فوت کرده است. (الف.ش) عنوان کرد: مرگ کودک بر اثر خفگی درست است اما نوع خفگی مهم است، کودک ابتدا سکنه مغزی و سپس ایست قلبی کرد. من کودک را با دست خودم خفه نکردم و با طناب نیز خفه نشده است، کودک در همان ماشین لباس‌شویی خفه شده است. (الف.ش) افزود: من آزار و اذیت کودک را قبول دارم اما قاتل نیستم و قصد کشتن وی را نداشتم، اغلب کبودی‌ها و ردهایی که بر بدن طفل است، بر اثر سوختگی و افتادگی بوده است.

در ادامه جلسه دادگاه، مادر ۲۵ساله کودک چهارساله به قاضی گفت: من کودک را آزار و اذیت نکردم و در بازجویی‌های اولیه نیز از ترس گفتم که کودک را کتک می‌زد. من مادر هستم و حق ندارم کودکم را کتک بزنم و حتی به پدرش نیز می‌گفتم تو حق نداری کودک را بزنی، من یک مادر هستم و با سختی فرزندم را بزرگ کردم چرا باید کودک خودم را بزنم. من فرزندم را نزدم بلکه (الف.ش) طفل را آزار و اذیت می‌کرد و حتی من را هم کتک می‌زد.

پدر کودک نیز در دادگاه گفت: من از این موضوع اصلاً اطلاعی ندارم چراکه من نزدیک به دو سال بود با همسرم زندگی نمی‌کردم و فقط فرزندم را هرازچندگاهی می‌دیدم. بنا بر این گزارش به گفته قاضی پرونده رای در مورد این پرونده به‌زودی برای طرفین صادر می‌شود.

پنج قاره	
	
تحت شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند. بارها اعضای بدن آنها سوزانده شده است، با دستبند به بخاری داغ چسبانده شدند، بارها به بدترین شکل کتک خوردند و به بردگی گرفته شدند. سربازرس پرونده قتل‌ها گفت: شواهد نشان می‌دهد گاهی این زوج شکنجه‌گر، قربانیان را با بدن سوخته روی زمین سرد می‌انداختند و در اثر سرمای زمین، سوختگی‌ها و زخم‌های آنها بدتر و عمیق‌تر می‌شد. پلیس آلمان می‌گوید بررسی آتش‌نشان و شکنجه زنان که منجر به مرگ آنها شده اعتراف کرده؛ اما مرد متهم تاکنون حاضر به اعتراف نشده است. پلیس می‌گوید آنگلیکا با جزئیات دقیق به همه جرم‌ها اعتراف کرده و مدعی شده است که او فقط از شوهر خود پیروی می‌کرده و تصمیم‌گیرنده نبوده است. پلیس آلمان می‌گوید بررسی آتش‌نشان می‌دهد که شکنجه‌ها بیشتر از آنکه با انگیزه‌های جنسی باشد با انگیزه‌های «اعمال قدرت» و وادارکردن قربانی به اطاعت بوده است. سربازرس پرونده همچنین اعلام کرد شواهد موجود، این احتمال قوی را مطرح کرده که زن سومی نیز در این خانه شکنجه شده و به قتل رسیده است.	
نوزاد ۳۱انگشتی	
والدین جینی نوزاد ۳۱ انگشتی برای تأمین هزینه درمان فرزندشان به کمک مالی نیاز دارند. این نوزاد در حالی با ۱۵ انگشت دست و ۱۶ انگشت پا به دنیا آمده است که والدینش استطاعت مالی برای تأمین هزینه‌های درمان او را ندارند. این نوزاد پسر که چهارماهه است، از نوعی بیماری مادرزادی به نام پراگشتی رنج می‌برد. همچنین مادر این نوزاد به این عارضه متلاست و درمجموع ۲۴ انگشت دست و پا دارد. بررسی‌ها حاکی از این است که در هر هزار نفر در جین، دو مورد عارضه پراگشتی مشاهده می‌شود.	
	

دو جوان ۱۶ساله با مشاهده مأموران قصد فرار از بیمارستان را داشت اما دستگیر و به کلانتری غیائی منتقل شد.

رخداد

قتل کارگر چینی توسط هم‌وطنش در زرنند

● معاون قضائی دادگستری زرنند گفت: در درگیری لفظی بین دو تبعه چینی در زرنند، یک نفر از آنها به قتل رسیده است. علی‌اکبر عباس‌تبار گفت: دو تبعه چینی در پی درگیری لفظی به صورت فیزیکی نیز درگیر شدند و یکی از آنان که حدود ۴۷ سال داشت با استفاده از شینی بُرنده به هم‌وطن ۶۰ ساله خود حمله‌ور شد و وی را به قتل رساند. عباس‌تبار در ادامه گفت: جسد مقتول به سردخانه بیمارستان زرنند منتقل شده و قاتل در بازداشت به سر می‌برد. معاون قضائی دادگستری شهرستان زرنند گفت: دراین‌باره پرونده‌ای تشکیل شده است و تحقیقات ادامه دارد. به گزارش فارس، ۱۷۰ کارگر چینی در کارخانه در حال احداث فولاد زرنند ایرانیان مشغول نصب تجهیزات هستند.

دزدی مسلحانه از بانک در کمال خونسردی

● مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد: دزدی مسلح با خونسردی تمام به بانکی در قیطریه وارد شد و پس از سرقت ۶۲۰ میلیون ریال، از محل گریخت. به گزارش این مرکز ساعت ۱۲:۴۰ یکشنبه دوازدهم اردیبهشت مرد نقاب‌پوش وارد بانک اقتصاد نوین شعبه قیطریه شد و پس از بررسی داخل شعبه، با کلت کمری خود مشتریان را تهدید کرد و از مسئول بانک درخواست پول نقد کرد. مدیر بانک نیز که نگران جان مشتریان داخل شعبه بود از سارق خواست با برداشتن پول‌ها از محل دور شود که این درد مسلح نیز با برداشتن وجه نقد در کمال خونسردی، پیاده بانک را ترک کرد. با اعلام موضوع به کلانتری تجریش، پرونده‌ای تشکیل و به اداره یکم پلیس آگاهی، ارجاع شد. کارآگاهان مبارزه با سرفت مسلحانه پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای دستگیری سارق بانک آغاز کرده‌اند.

سرنخ‌هایی از سارقان مسلح طلافروشی

● دادستان عمومی و انقلاب گالیکش از به‌دست‌آمدن سرنخ‌های جدیدی از سارقان مسلح طلافروشی این شهرستان خبر داد. عبدالحمید کریمی گفت: بررسی شواهد و سرنخ‌های به‌جامانده از سارقان، ما را یک کام به دستگیری آنها نزدیک‌تر کرده است. وی افزود: سارقان چهار نفر بودند که با بستن راه اصلی شهر به سرقت از یک طلافروشی در شهر گالیکش اقدام و با شلیک تیرهای هوایی از اسلحه کلاشنیکفی که همراه داشتند، بین مردم رعب و وحشت ایجاد کردند. دادستان عمومی و انقلاب گالیکش در ادامه گفت: باریک‌بودن راه اصلی داخل شهر و ترافیک شدید خیابان از یک سو و نراندان خودروها به ماشین‌های پلیس، سبب شد مأموران به‌موقع به صحنه سرقت نرسند و همین امر سبب فرار سارقان و ادامه تعقیب و گریز به سمت کلاله شد. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گالیکش در ادامه افزود: سارقان در این تعقیب‌و‌گریز، پس از درگیری با مأموران انتظامی و ازکار‌انداختن خودرو پلیس با شلیک گلوله، موفق به فرار شدند. کریمی افزود: در این سرقت کسی کشته نشد و فقط یکی از مردم حاضر در صحنه که می‌خواست مانع فرار سارقان شود، زخمی سطحی برداشت. وی با بیان اینکه دادستانی دستورات لازم برای دستگیری این افراد را صادر کرده است، گفت: متهمان تحت تعقیب قضائی فرار دارند. کریمی دریابان گفت: این سرقت مسلحانه از یک مغازه طلافروشی در شهر گالیکش حدود ساعت ۲۱ سه‌شنبه‌شب روی داش و با توجه به فرصت اندک سارقان، امکان سرقت طلای زیادی برای آنان فراهم نبوده است.

مرگ مشکوک دختر ۱۴ساله در شمال تهران

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از کشف جسد دختر ۱۴ساله‌ای خبر داد که عصر پنجشنبه در محدوده تقاطع چمران-نیاپش، خیابان اسلام‌آباد شمالی کشته شده است. «سیدجلال ملکی» گفت: ساعت ۱۸ روز پنجشنبه شهروندان در تماس با سامانه ۱۲۵ از وجود جسد دختر نوجوانی در محدوده بزرگراه چمران، خیابان اسلام‌آباد شمالی خبر دادند. وی با بیان اینکه مأموران آتش‌نشانی پس از تأیید این خبر به وسیله نیروی انتظامی در محل حادثه حاضر شدند، گفت: آتش‌نشانان پس از حضور در محل حادثه با جسد خون‌آلود دختری ۱۴ساله که روی زمین افتاده بود، روبه‌رو شدند. ملکی با بیان اینکه این نوجوان زیر پل عابر پیاده و در یک خیابان خلوت نقش بر زمین شده بود، گفت: عوامل اورژانس مرگ این دختر را تأیید کردند و جسد وی به پزشکی قانونی تحویل داده شد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی با گلایه از برخی رسانه‌ها گفت: برخی رسانه‌ها این حادثه را خودکشی تلقی کرده‌اند؛ درحالی‌که دلایل زیادی برای مرگ این دختر وجود دارد. ملکی با اشاره به اینکه کارشناسان پزشکی قانونی و نیروی انتظامی در حال بررسی حادثه هستند، اظهار کرد: احتمال اینکه او بر اثر تصادف کشته شده باشد، وجود دارد.